درآمدی بر آشنایی با خفتگان گورستان ظهیرالدوله

درآمد

شکل‌گیری "انجمن اخوت" در آستانه جنبش مشروطیت ایران و فعالیت‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی و گاه سیاسی این محفل از زوایای گوناگون قابل تامل و تدقیق است. اعضای این انجمن را عمدتا رجال تحصیل‌کرده، صاحب‌منصبان دولتی، فعالان فرهنگی و سیاسی، هنرمندان و شاعران، تشکیل می‌دادند. به نظر می‌رسد اعتقاد به تقدم کار فرهنگی بر کار سیاسی و باور به انجام اصلاحات از بالا به پایین که از سوی علی‌خان ظهیرالدوله، مرشد این انجمن به مریدان و اعضای محفل یاد شده توصیه می‌شد ناشی از ساخت فکری اعضای تشکیل‌دهنده آن باشد که البته با نوعی اشرافیت آمیخته بود. به هر روی شناخت آموزه‌های ظهیرالدوله، چگونگی تاسیس انجمن اخوت و اهداف آن، ابعاد مختلف فعالیت‌های انجمن و نقش آن در روند رخدادهای جنبش مشروطه، حایز بسی اهمیت است.

"چهره‌هایی در خاک" عنوان تازه‌ترین اثر صفاءالدین تبرائیان است که در آن ضمن روشنگری نسبت به ماهیت و کارکرد انجمن اخوت، به معرفی "گورستان ظهیرالدوله" واقع در جاده نامبردار به تجریش ـ دربند (چندصد متری ضلع جنوبی امامزاده قاسم‌بن الحسن" و خفتگان آن تربت اعم از رجال سیاسی، نظامی، فرهنگی همراه با عکس‌های کم‌نظیر و منتشر نشده پرداخته شده است.

مهناز خزائی

آموزه‌های ظهیرالدوله

درباره روش و منش سیاسی .اجتماعی ظهیرالدوله و انجمن اخوت که خود بنیانگذار آن بود اظهارنظرهای گوناگون به عمل آمده است. از منظر امین‌الملک «انجمن اخوت» برای تبلیغ آزادی و تربیت مردم خدمات گرانبهایی نموده است. در تمام مقدمات و تحولاتی که منجر به از بین رفتن استبداد و ایجاد مشروطیت در ایران گردیده است و همچنین در کلیه مبارزات با اصول کهنه استبدادی و تربیت و بیداری مردم و ترویج تمدن جدید، مبتکر و پیشرو بوده است."(۱)

به گمان برخی پژوهشگران نیز "اگر ظهیرالدوله به راستی باور به انسانیت و اخوت داشت می‌بایست در برابر زورگویی آنان بایستد و پایداری کند... و هرگز به دستگاه خودکامگان ستمگر نمی‌پیوست."(۲)

کانون طریقت و اجتماع

انجمن اخوت، نخستین انجمنی است که در دوره مظفری پا به عرصه وجود نهاد. این انجمن در ۱۳۱۷ ق پس از یک دوره پنهانکاری از سوی علی‌خان ظهیرالدوله هفت ماه پس از فوت صفی‌علیشاه با کسب اجازه از مظفرالدین شاه فعالیت خود را آغاز کرد. ظهیرالدوله پس از آن قسمت شمال باغ خانه‌اش در خیابان علاءالدوله (فردوسی کنونی) را به فعالیت انجمن اختصاص داد.

اعضای اصلی انجمن نخست ۱۱۰ نفر بودند که ظهیرالدوله آنان را برگزیده و نامشان را بر ۱۱۰ صندلی نوشته بود. پس از آن به عضوگیری پرداخت و با دو معرف و پر کردن "ورقه تمنا" به گسترش تشکل خود پرداخت. ظهیرالدوله اداره انجمن اخوت را برعهده هیات مشاوره‌ای مرکب از ۱۱ نفر واگذار کرد.

این هیات همه امور انجمن را اداره می‌کرد. ریاست این هیات با خود ظهیرالدوله بود. ظهیرالدوله می‌کوشید شاهزادگان و رجال دولتی را وارد انجمن کند. گذشته از آن که برای پذیرش اعضای جدید ترتیباتی نهاد، اگر خطایی از آنان سر می‌زد، تنبیه‌شان می‌کرد، چنان که مظفرالملک حاکم همدان را که عامل قتل سیدجمال‌الدین اصفهانی شناخته شد، از انجمن اخراج کرد.(۳)

ظهیرالدوله به تقلید از فراماسون‌ها به گونه‌ای دیگر، برای انجمن تبرزین و کشکول و تسبیح به عنوان سمبل انجمن اخوت قرار داد.(۴)

مروج مساوات

از جمله اهداف اساسی ظهیرالدوله ترویج روح مساوات و درویشی و بی‌آلایشی در جامعه اشراف‌سالار قاجار بود. در هر شهر که شمار اعضای انجمن بیش از ۱۱ نفر می‌شد شعبه‌ای تاسیس می‌گردید. کرمانشاه، همدان، سمنان، سنگسر، شهمیرزاد، ساری، شاهی، شیراز، خرم‌آباد، اصفهان، مشهد و ... شهرهایی بودند که در آن شعبات انجمن فعال بود. انجمن در خارج کشور و مشخصا در بغداد نیز شعبه‌ای داشت.(۵)

جلسات انجمن همه‌جا شب‌های جمعه تشکیل می‌شد. انجمن دارای نشریه‌ای در تهران و برخی شهرها نیز بود. از دیگر اقدامات فرهنگی انجمن تاسیس مدارس نیز بود و همچنین از فعالیت‌های شاخص انجمن برپایی جشن‌ها به مناسبت‌های گوناگون در اعیاد مذهبی و همین‌طور جشن موسوم به "جشن گل" بود که همه ساله در فروردین ماه در شمیران برپا می‌شد.

انجمن ارکستری هم داشت که رهبری آن را "درویش خان" عهده‌دار بود که به مناسبت‌های مختلف آهنگ‌های متنوعی می‌ساخت.(۶) اما ماناترین و سرشناس‌ترین جشن انجمن، جشن "نصرت ملی" بود که درپی پیروزی مشروطه‌خواهان بر محمدعلی‌شاه و فتح تهران به مناسبت جمع‌آوری اعانه برای خانواده‌های کشته‌شدگان و مجروحان راه آزادی در همان محل مخروبه انجمن در خانه ظهیرالدوله طی چند شب در تهران برگزار شد و عواید آن به مصارف عام‌المنفعه رسید.

نظامنامه اخوتیان

انجمن دارای نظامنامه‌ای بود که مشتمل بر دستورات ساده بود. این دستورالعمل دارای ۶ فصل و متضمن ۵۲ ماده بود. فصل اول مشتمل بر اصول سته (ششگانه) بود: ۱ .تعظیم امرالله ۲ .شفقت خلق‌الله ۳ .خدمت اهل‌الله ۴ . بذل نفس فی سبیل‌الله ۵ .کتمان سرالله ۶ .اطاعت ولی‌الله. فصل دوم تشرف به انجمن، فصل سوم اداره انجمن، فصل چهارم شعبه‌های انجمن، فصل پنجم درباره حقوق انجمن و فصل ششم تکالیف انجمن بود.

گفته شده است، الگوی فکری ظهیرالدوله و اندیشه جماعت اخوت از آراء "اخوان‌الصفا" و باورهای صوفیان که در آن حکمت و فلسفه یونانی با عقاید صوفیانه و همچنین اصول و شعائر اسلامی ممزوج شده بود، نشات می‌گرفت. اگرچه اعضای انجمن صوفی‌گری را در خدمت مسائل اجتماعی، فرهنگی و تا حدودی سیاسی درآورده‌اند و از بیکاری و لاابالی‌گری به بهانه درویش‌مسلکی دوری و بیزاری می‌جستند و ظهیرالدوله موفق شده بود انجمن را به صورت یک مکتب تعلیمات اخلاقی و کانون برادری درآورد.(۷)

تراز تعادل سیاسی

ظهیرالدوله به‌رغم جانبداری از مشروطه‌خواهان کوشش می‌کرد در نزاع ملت با دولت به مثابه یک کارگزار حکومتی، علی‌الظاهر موضع مستقل و بیطرفی را اتخاذ کند. اما بخشی از احساس درونی او را می‌توان در فرازهای حساس سیاسی از جمله پس از دریافت خبر عزل عین‌الدوله درک کرد که اظهار می‌دارد: "لااله الاالله، آن همه باروبروت، پس بر پیش بیا و تفرعن و تکبر و فرعونیت و لجبازی و سختی و بی‌خبری از حال مردم و هزار چیز دیگر به یک حرکت انگشت یک تلگرافچی پوسیده تمام شده رفت."

انهدام انجمن

با وجود امضای فرمان مشروطه از سوی مظفرالدین شاه، ماه‌عسل دولت و ملت چندان دوام نیافت و محمدعلی شاه که سلطنت مطلقه خود را در خطر می‌دید رودرروی مردم ایستاد و پیش‌شرط‌های معروف خود را مبنی بر انحلال انجمن‌ها، تعطیلی مطبوعات و اخراج نمایندگان به‌زعم وی تندرو از مجلس مطرح کرد.

شاه مستبد روز سه‌شنبه ۲۳ جمادلی‌الاول ۱۳۲۶ ق با به توپ بستن مجلس شورای ملی و مقر شماری از انجمن‌ها، موقتا به حیات مشروطه و مجلس اول پایان داد. روز بعد به امر محمدعلی شاه، قزاقان به فرماندهی لیاخوف به محل انجمن اخوت حمله بردند و آنجا را غارت کردند. در این جریان کتابخانه ظهیرالدوله به غارت رفت. قزاقان سپس به خانه ظهیرالدوله یورش بردند و بیشتر اشیاء درون خانه را به یغما بردند.

به منظور توجیه حمله به انجمن اعلام شد که از داخل انجمن به سوی قزاقان تیراندازی شده است، یا این که گفته شد در مکان انجمن بمب و نارنجک نگهداری می‌شود و یا آنکه شایع شد شماری از مجاهدان در آنجا پنهان شده‌اند که البته همه این گفته‌ها توجیه ساختگی و دستاویز بهانه‌ای برای یورش و غارتی بیش نبود. به باور بیشتر مورخان، فعالیت‌های انقلابی شماری از انجمن‌ها به ویژه ظهیرالسلطان، فرزند ارشد ظهیرالدوله که در زمره عناصر جناح چپ جنبش مشروطیت قرار داشت از عوامل عمده حمله به انجمن اخوت بود. اگرچه در این میان یکی از مورخان منکر عضویت ظهیرالسطان در جرگه آزادیخواهان است.(۸) اما به گمان برخی، وی با همفکری برخی جوانان جمعیتی نامبردار به "کانون جوانان" تشکیل داده بود و از همین جا "هسته قشون ملی" مدافع مجلس و معارض محمدعلی شاه شکل گرفت.(۹) تاریخ‌نگاران به حضور فرزند ظهیرالدوله در عداد مجاهدان محافظ مجلس شورای ملی و رشادت او و یارانش در مقابله با نخستین اقدام شبه‌کودتایی محمدعلی شاه- فتنه توپخانه - اشاره کردند.

به هر روی دستگاه استبداد محمدعلی شاهی تا پای اعدام ظهیرالسلطان نیز پیش رفت و حکم اعدام ظهیرالسلطان، عمه‌زاده شاه نیز داده شد ولی در واپسین دم، مادرش- خواهر مظفرالدین شاه -اظهار داشت که اگر فرزندش را بکشند او خود را خواهد کشت.(۱۰) این تهدید کارساز افتاد و وساطت فیمابین فروغ‌الدوله، دختر ناصرالدین شاه که عمه محمدعلی شاه بود موجب استخلاص ظهیرالسلطان شد و او رهایی یافت.

پس از انهدام و غارت مکان انجمن، فعالیت‌ها و گردهمایی‌های اخوان موقتا در محاق تعطیل قرار گرفت.

اعضای انجمن به ندرت و به شکل غیرمتمرکز و محرمانه و بیشتر در حومه دارالخلافه یکدیگر را ملاقات می‌کردند. با سقوط محمدعلی شاه و خروج وی از کشور و پیروزی مشروطه‌طلبان بار دیگر فعالیت‌های انجمن اخوت از سر گرفته شد و به گونه‌ای که پیش گفته آمد، جشن مفصلی نیز تدارک دیده شد.

علی‌خان ظهیرالدوله

افول ظهیرالدوله

افول زندگی علی‌خان ظهیرالدوله همزمان با قدرت‌یابی رضاخان سردار سپه بود که چون به سلطنت رسید فعالیت بسیاری احزاب و جمعیت‌ها را تعطیل و متوقف کرد. اما جلسات انجمن اخوت ادامه یافت. پس از ظهیرالدوله جانشین وی محمدخان انتظام‌السلطنه تا سال ۱۳۱۰ ش که در گذشت، رئیس و مرشد انجمن بود. بعد از وی هم ریاست به دکتر اسماعیل مرزبان رسید. در زمان ریاست او جشن پنجاهمین سال تاسیس انجن اخوت به سال ۱۳۲۷ ش در باغ سرلشکر فیروز برگزار شد. در پی رحلت دکتر مرزبان، ریاست انجمن بر عهده سپهبد فرج‌الله آق‌اولی نهاده شد. در این دوره مقر انجمن اخوت و خانقاه صفی‌علیشاه مورد مرمت اساسی قرار گرفت. با مرگ آق‌اولی، ریاست هیات مشاور انجمن به عبدالله انتظام، فرزند انتظام‌السلطنه رسید.(۱۱) انجن اخوت تا سال‌های پیش از انقلاب اسلامی همه هفته روزهای پنجشنبه و آدینه در مقر خود تشکیل جلسه می‌داد. اکنون نیز گروهی از اهل صفا و مریدان ظهیرالدوله شب‌های آدینه در کنار آرامگاه وی در گورستان ظهیرالدوله گردهم می‌آیند.

معاریف گورستان

در ظهیرالدوله بسیاری نام‌ها آشنایند، نام‌هایی که هریک یادآور خاطرات دوران سپری شده، غم‌ها و شادی‌ها، آواها و نواهاست که از لابلای خاطرات کهنه و گرد و خاک گرفته تاریخی باید آنان را جست و هویت آنان را کاوید. به گمان بسیاری اینجا بزم خاموش هنرمندان است، حال آنکه گورستان ظهیرالدوله شهر فرنگی است و در آن از همه صنفی به خاک سپرده شده‌اند و بی‌گمان شمار سیاسیون از هنرمندان بیشتر است که در زیر به سرشناس‌ترین آنها اشاره می‌شود.

شاعران و خوانندگان

در میان شاعران می‌توان به: محمدتقی بهار، ایرج میرزا، فروغ فرخزاد، محمدحسن رهی‌معیری و حسین مسرور اشاره کرد. در مجموعه خوانندگان نیز نام‌های زیر بیشتر آشنایند که از آن جمله: سیدحسین طاهرزاده، قمرالملوک وزیری و داریوش رفیقی می‌باشند.

موسیقیدانان

اما شمار موسیقیدانان و نوازندگان که همگی در عداد اساتید محسوب می‌شوند، فراوان است که به تعدادی از آنها می‌توان اشاره کرد. اینان عبارتند از: غلامحسین درویش، ابوالحسن صبا، حبیب‌الله سماعی، حسین تهرانی، حسین هنگ‌آفرین، حسین یاحقی، مرتضی محجوبی، روح‌الله خالقی، ابراهیم منصوری، نورعلی‌خان برومند، حسین صبا.

از اهالی مطبوعات می‌توان به محمد مسعود و منوچهر مهران اشاره کرد؛ و از ورزشکاران مهندس توفیق جهانبخت، قهرمان کشتی جهان شاخص‌ترین است.

نظامیان

اما شمار نظامیان بسیار زیاد است که عالی‌رتبه‌ترین آنها عبارتند از: سرلشکر احمد نخجوان، سپهبد احمد وثوق، سپهبد چنگیز وشمگیر، سرشکر حسن بقایی، سرتیپ حیدرقلی پسیان، سرتیب سیف‌الله شهاب، سرتیپ عبدالحسین افخم‌ابراهیمی، سرلشکر عبدالرضا افخم‌ابراهیمی، سرلشکر علی ریاض، سهپید غلامحسین افخمی، سرلشکر غلامرضا شاهین‌نوری، سپهبد فرج‌الله آق‌اولی، ارتشبد فضایل‌ترین، سرشکر فضل‌الله امانپور، کلنل کاظم‌خان سیاح، سرلشکر محمود انصاری، سپهبد مرتضی یزدان‌پناه.

نمایندگان مجلسین

ابراهیم افخمی، ابوالحسن ملکی، ارسلان خلعتبری، حسن‌علی مستشار، عطاءالله روحی، علی اقبال، محمد عامری، مرتضی امین، عطاءالله سمیعی.

وزیران

سیدابراهیم عمید، اسماعیل مرزبان، علی‌اصغر پورهمایون، علی‌اصغر زرین‌کفش، مجید آهی، سیدمهدی فرخ و...

زنان

شمس‌الضحی نشاط، گیلان‌تاج افخم‌ابراهیمی، طوبی آزموده و...

همچنین رجال سرشناسی چون سیدحسن تقی‌زاده و صادق صادق نیز روی در نقاب خاک کشیده‌اند. دراثر یاد شده به تفصیل درباره این معاریف ذیل روز ۴ مرداد ۱۳۶۶ شمیران توضیحاتی داده شده است که با انتشار این اثر این آگاهی‌ها در اختیار خوانندگان قرار خواهد گرفت.

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ ایرج افشار. خاطرات و اسناد ظهیرالدوله. تهران، کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۱، ص ۵۹.
۲ـ محمود کتیرایی. فراماسونری در ایران. تهران، اقبال، ۱۳۵۵، ص ۱۰۸.
۳ـ دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر کاظم موسوی‌بجنوردی، تهران، ۱۳۵۷، ج ۷، ص ۲۸۱.
۴ـ یغما (مجله). س ۲، بهمن ۱۳۲۸، صص ۵۰۴ـ۵۰۵.
۵ـ محمدمهدی شریف‌کاشانی. واقعات اتفاقیه در روزگار. به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۲۸.
۶ـ تاریخ معاصر ایران (فصلنامه). تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، س ۲، ش ۶، تابستان ۱۳۷۷، ص ۳۳.
۷ـ ایرج افشار، همان، ص ۱۱۶.
۸ـ احمد کسروی. تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، چ ۱۵، ۱۳۶۹، ص ۶۵۷.
۹ـ مهدی ملک‌زاده. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. تهران، علمی، چ ۳، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۵۶.
۱۰ـ ادوارد براون. انقلاب ایران. ترجمه وحواشی احمدپژوه، تهران، معرفت، چ ۲، ۱۳۳۸، ص ۲۱۸.
۱۱ـ دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. ج ۷، صص ۲۸۴ـ۲۸۵.